سیاست در ایران

نشست خبری دبیرکل جبهه پیروان خط امام و رهبری ۶
درخواست هسته‌ای زنان اصول گرا
حبس و جریمه برای زنان بی‌حجاب ۷
تورم اصلی در راه است

سیاست در جهان

شکاف فقر و غنا در هند عمیق‌تر می‌شود ۸
بیماری روانی متهم ۱۱ سپتامبر
اعترافات پزشک مرگ ۹
احتمال انقلاب در نپال

اقتصاد و بورس

گفت‌وگو با معاون وزیر جهاد کشاورزی ۱۰
دستور توقف قرارداد ال ۹۰
نزول شاخص‌ها برخلاف پیش‌بینی دبیرکل ۱۱
سقوط شاخص بورس نیویورک

بازار

بحران سکه ۱۲
دومین مرحله واردات گوشت آغاز شد

دیپلماسی

بررسی منافع ژئواستراتژیک آمریکا در دریای خزر

معصومه طاهری

آیا در موقعیت کنونی حضور غرب و در راس آن ایالات متحده آمریکا در مناطق ژئواستراتژیکی دنیا از جمله آسیای میانه و دریای خزر در بهره‌برداری از منابع اقتصادی خلاصه می‌شود؟ و معادلات سیاسی جهان همچنان از فرمولی ثابت و قطعی پیروی می‌کند؟ صاحب‌نظران تعاریف متعدد و مشابهی از واژه «ژئواستراتژی» ارائه می‌دهند. با این تعبیر مشترک که ژئواستراتژی علمی است که نقش عوامل محیطی جغرافیایی را در تدوین استراتژی‌ها به طور اعم و استراتژی‌های نظامی به طور اخص مطالعه می‌کند. این عوامل در دو بخش عمده ثابت (موقعیت، توپوگرافی، مرزها، شبکه آب‌ها) و متغیر (تسلیحات، فناوری، ارتباطات و هر آنچه از جنگی به جنگ دیگر تغییر می‌یابد و . . .) تقسیم‌بندی می‌شود. در دوره جنگ سرد (۱۹۸۹ ـ ۱۹۴۸) کره زمین به دو منطقه بزرگ ژئواستراتژیکی تقسیم شده بود. نیمکره شرقی با قدرت نهفته در استراتژی «بری» اتحاد شوروی سوسیالیستی و نیمکره غربی با تنها پیروز واقعی میدان جنگ جهانی دوم، یعنی ایالات متحده آمریکا و استراتژی بحری روشن است. براساس این تقسیم‌بندی تمامی معادلات سیاسی جهان از این مرزبندی تاثیرپذیری مستقیم داشتند و هرگونه تفاهم و تضاد خارج از سلطه دو ابرقدرت در اکثر نقاط جهان امکان عملی نداشت و چنانچه بحرانی جدی روی می‌داد احتمال جنگ هسته‌ای میان دو ابرقدرت پیش‌بینی دور از ذهنی به شمار نمی‌رفت. مانند بحران برلین (۱۹۴۸)، ساخت دیوار برلین (۱۹۶۱)، جنگ یوم کیپور (۱۹۷۳) بحران موشکی کوبا (۱۹۶۲) که با خویشتنداری دو ابرقدرت به درگیری نظامی منتهی نشد لکن در زمره بحران‌های بین‌المللی ثبت شدند.

دوره موسوم به جنگ سرد عموماً در مقطعی حدود چهل سال مطالعه می‌شود، با این وجود به دو دوره عمده دوقطبی (۱۹۶۲ ـ ۱۹۴۵ م) و چند مرکزی (۱۹۸۵ ـ ۱۹۶۳) تقسیم می‌شود. در دوره دوقطبی تمرکز نظامی دو بلوک قدرت، موجب تعاملی پایدار در روابط مستقیم آنها به شمار می‌آمده زیرا هیچ گونه تحول بنیادین بر نظام مسلط وجود نداشت در صورتی که در نظام چند مرکزی، یک ساختار دورگه با دو مرکز قدرت نظامی و مراکز چندگانه و نابرابر تصمیم‌گیری‌های سیاسی مشهود است. این مراکز تصمیم‌گیری می‌تواند کشور ثالث، سازمان ملل متحد و دیگر سازمان‌های بین‌المللی باشد مانند: «تعارض ترکیه و یونان بر سر جزیره قبرس ۱۹۶۳، جنگ ۶ روزه مصر، اردن و سوریه با اسرائیل ژوئن ۱۹۶۷، جنگ ویتنام شمالی، ویتنام جنوبی، آمریکا در رابطه با مین‌گذاری بنادر مارس ۱۹۷۲.»

با این مقدمه به آسیای مرکزی و منطقه دریای خزر بازمی‌گردیم، دریایی واسط میان دو بلوک شرق و غرب در دوره جنگ سرد (ایران تا قبل از انقلاب اسلامی در زمره بلوک غرب بود)، دریای خزر به دلیل موقعیت خاص خود نظام چندقطبی (۱۹۳۹ ـ ۱۹۲۹)، دوقطبی و چند مرکزی را از سر گذرانده و در سال ۱۹۸۹ و اوایل دهه ۱۹۹۰ پس از فروپاشی شوروی سوسیالیستی و از میان رفتن مرزبندی‌های دو بلوک با تعبیر جدید «دریای صلح و دوستی» مقرر شد پنج کشور همجوار آن (ایران، ترکمنستان، قزاقستان، روسیه و آذربایجان) از موقعیت و منافع آن به طور مشترک بهره‌گیری کنند، کشور روسیه به‌عنوان حکومت مرکزی سابق شوروی که سال‌ها محصور در استراتژی بری بود دیوار آهنین و سیاست مهارسازی (Comtainment) تحمیلی از سوی غرب را رها کرد و به‌عنوان یکی از کشورهای همسایه دریای خزر در شرایطی برابر و متفاوت با گذشته به عرصه آبی خزر وارد شد. تئوریسین‌های غربی به خصوص آمریکایی «پایان تاریخ» را اعلام کردند و در رابطه با جایگزینی «لیبرال دموکراسی» شعارهای تبلیغی به سراسر جهان ارسال کردند. ایران نیز سال‌های پرتنش آغاز دهه ۱۹۸۰م را پشت سر نهاده و در اولین دور مذاکرات خزر که در سطح وزرای خارجه در سال ۱۳۷۵ ش و در عشق‌آباد برگزار شد، در کنار چهار کشور همجوار فعالانه شرکت کرد. مسائل محیط زیست خزر به تدریج در کنار تدوین پیشنهاد رژیم حقوقی خزر در دستور کار اجلاس خزر قرار گرفت که تا امروز نشست‌ها و مذاکرات تا حصول به نتایج نهایی ادامه دارد.

فروپاشی شوروی سوسیالیستی و تولد جمهوری‌های نو استقلال (CIS) موجب بر هم خوردن موازنه قوا در نظام بین‌الملل شد. این رویداد اگر چه برای کشورهای اروپای شرقی و بعضی دیگر از کشورهای تحت سلطه، نویدبخش آزادی و رهایی از انقیاد کمونیسم به شمار می‌رفت لکن آغازی تقریباً نامیمون برای کشورهایی بود که در اولویت منافع ژئواستراتژیکی ایالات متحده آمریکا قرار داشتند. اقتصاد بیمارگونه جمهوری‌های آسیای میانه و وابستگی مبرم آنها به حضور روسیه در رابطه با تولید و توزیع محصولات کشاورزی و صنعتی و دیگر وابستگی‌های تار عنکبوتی، حضوری قوی‌تر را در منطقه طلب می‌کرده به‌خصوص که روسیه در سال‌های پس از فروپاشی آنچنان درگیر مشکلات داخلی بود که فرصت و توان پرداختن به مسائل و معضلات کشورهای وابسته به خود را نداشت، این وضعیت موقعیتی ممتاز و بی‌بدیل را جهت سرمایه‌گذاری‌های غربی و اسرائیلی فراهم کرد حتی بسیاری از دانشمندان و نخبگان این کشورها را به سوی غرب و اسرائیل جذب کردند. (کاری که ایران از آن غافل ماند و میدان ابتکار و عمل به دست بیگانگان افتاد.)

حادثه ۱۱ سپتامبر و پیامد آن حمله آمریکا و متحدانش به خاک افغانستان (۷ اکتبر ۲۰۰۱) بهانه‌ای بود جهت پراکنده کردن دست‌های دراز شده و متفرقه به سوی آسیای میانه زیرا افغانستان کمترین چشم‌انداز و آینده جذابی برای اشغالگران در برنداشت و به قول خود افغانی‌ها، آمریکایی‌ها، به جنگ معدودی چادرنشین فقیر و نیازمند آمده بودند (فراموش نکنیم خاک افغانستان از دسامبر ۱۹۷۹ حدود ده سال در اشغال شوروی سوسیالیستی بود و حاصل آن تل‌های خاک، جنازه‌های فراوان و سیل پناهندگان نوعاً بدون کفش بود) و آمریکا با علم کامل به این معضلات قدم به خاک افغانستان گذاشت و به دنبال تروریست‌های فراری و موجدان ۱۱ سپتامبر، سربازان خود را با سهولت از مسیری به طول ۱۲۰۶ کیلومتر (مرز آبی و خشکی ایران و ترکمنستان) به کناره‌های دریای خزر در خلیج حسینقلی رساند و سربازان ناتو را جایگزین اکثر سربازان خود در افغانستان کرد. حضور آمریکا در خزر نیاز به پشتوانه‌ای قابل اتکا به خصوص از جانب مرزهای غربی خزر داشت. روسیه همچنان منطقه قفقاز را حیاط خلوت خود می‌دانست و در قفقاز شمالی و جنوبی و غرب خزر حضور پررنگتری داشت. از نظر آمریکا ضرورت توالی ۱۱ سپتامبر این بار ایجاب می‌کرد که اسامه بن لادن به دلیل نژاد عرب داشتن در خاک عراق مورد تعقیب قرار گیرد. آمریکا و متحدانش این بار به بهانه وجود سلاح‌های کشتار جمعی در عراق و تعقیب افراد القاعده (در ۲۰ مارس ۲۰۰۳) خاک عراق را اشغال کردند، مسلماً سرزمین عراق به عنوان شاخه غربی چنگک هرمانندی که راس آن در دریای خزر و شاخه شرقی آن تا جنوب افغانستان کشیده شده بود به آمریکا این فرصت را می‌داد که با حضور در راس در زمان‌های مناسب با فشارهای جانبی ایران را در میانه هرم و در تنگنا قرار دهد ضمن اینکه بر شمال و شمال شرق خزر (روسیه و قزاقستان) جنوب (خلیج فارس تا دریای عرب و سواحل هند) تسلط خود را تثبیت می‌کند. در واقع دریای خزر به عنوان برج دیده‌بانی آمریکا در جهت حفظ منافع ژئواستراتژیکی این کشور است. ترکیه هم به دلیل عضویت در ناتو و یار و هم‌پیمان آمریکا معضلی به شمار نمی‌آید. البته حضور مداوم ایران در نشست‌های کاری خزر و اعتمادسازی میان همسایگان، همچنین پررنگ شدن نسبی حضور روسیه در منطقه و ورود چین و هند به بازارهای آسیای مرکزی و ایجاد سازمان‌های منطقه‌ای (نظامی، سیاسی و اقتصادی) آمریکا را به فعالیت افزون‌تری ترغیب می‌کند لکن این نکته که تصور شود پایان یافتن منابع انرژی خزر و یا کاهش وابستگی به تکنولوژی‌های حفاری و استخراج نفت و گاز و یا تامین امنیت لوله‌های انتقال نفت و گاز توسط کشورهای تولیدکننده حضور آمریکا را کمرنگ خواهد کرد تا حدودی ساده‌اندیشی و سهل‌نگری به رویدادها و تحولات منطقه است. البته این به معنای بلامنازع بودن قدرت غرب و آمریکا نیست. کشورهای آسیای میانه به دلایل متعدد قادر به، به فعلیت درآوردن تمامی توانایی‌های بالقوه خود نیستند و حضور آمریکا را دلگرم‌کننده می‌دانند. (مشابه وضعیتی که در رابطه با کشورهای خلیج فارس در جنوب شاهدیم.) در این میان تنها ایران است که به کرات ثابت کرده می‌تواند با تکیه بر باورهای خود در برابر مشکلات به وجود آمده از سوی بیگانگان مقاومت کند. (تحمل هشت سال جنگ تحمیلی و نابرابر عراق علیه ایران، تحریم‌های پی در پی اقتصادی، بلوکه شدن سرمایه‌های ملی در خارج از کشور، تحریک گاه به گاه قومیت‌ها و شرارت‌های مرزی توسط تحریکات خارجی، فشارها و خواسته‌های نابجای بعضی از مجامع منطقه‌ای و بین‌المللی از آن جمله هستند.)

اما نکته‌ای که نمی‌تواند مورد اغماض قرار گیرد؛ ایران در عرصه دریای خزر می‌تواند یک پنجم سهم داشته باشد و وضعیت خزر با خلیج فارس متفاوت است. خوشبختانه ایران در خلیج فارس به دلیل پیروی از کنوانسیون حقوق دریاها مصوب سال ۱۹۸۲ با همسایگان حاشیه جنوبی مشکل مرزی عمده‌ای ندارد و براساس خطوط منصف و تقسیم دریای سرزمینی و منطقه انحصاری اقتصادی و فلات قاره اهم مسائل مرزی خود را با همسایگان عرب منطقه حل کرده و از موارد اختلاف در حال حاضر جزایر ابوموسی و تنب‌ها با شیخ‌نشین شارجه است و تا حدود زیادی مسائل فیمابین آنها مشخص و روشن است لکن دریای خزر با توجه به عدم حصول به راه‌حلی مشترک و مورد قبول پنج کشور همجوار، نمی‌تواند به‌طور قانونمند با دخالت‌ها مقابله کند و همچنان عرصه یکه‌تازی بیگانگان است. به هر تقدیر بعید به‌نظر می‌رسد ایالات متحده آمریکا با توجه به موقعیت ژئواستراتژیکی خزر این منطقه را رها کند. آنچه مسلم است ایران ضمن تداوم استراتژی بحری (به دلیل حایل بودن میان دو پهنه آبی مهم خزر و خلیج فارس) باید مواضع خود را تحکیم افزون‌تری بخشد و تغییر و تحولات این منطقه را با هوشیاری و درایت تحت نظر داشته باشد. دریای خزر اگرچه از لحاظ موقعیت دریایی بسته محسوب می‌شود اما به دلیل نقش واسطی که امروز میان دو بخش شرقی و غربی آسیای میانه دارد همچنین وجود منابع انرژی ضروری است مسئولان ضمن اتخاذ طریقه ائتلاف و اجتناب از انزواگرایی از موقعیت خود نهایت بهره‌برداری را کرده و با عملکرد واقع‌گرایانه راهگشای تثبیت فرصت‌های موجود، تداوم حاکمیت بر مرزها و حافظ منافع ملی آحاد مردم باشند و فراموش نکنیم که امروز قدرت با دانایی، دیپلماسی و فناوری سنجیده می‌شود.

منابع:

۱- اطلس گیتاشناسی، ۱۳۸۳
۲- مایکل برچر، بحران تعارض و بی‌ثباتی، ترجمه صبحدل، ۱۳۸۲
۳- دکتر عزت‌الله عزتی، ژئواستراتژی، سمت، ۱۳۸۲

خزر دریای فراموش شده

عارف واحد ناوان

آغازین روزهای سال ۱۳۸۵ با خبرهای تلخی از حوزه دریای خزر همراه است. در شرایطی که ایران در آرزوی استخراج نفت از دریای خزر در سال ۱۳۸۵ خورشیدی لحظه‌شماری می‌کرد اما اخباری از این حوزه مهم منتشر شد که موجب نگرانی‌هایی می‌شد. چندی پیش مدیرعامل شرکت نفت خزر از عدم تحویل سکوی البرز خبر داد. بر این اساس عملیات حفاری و لرزه‌نگاری بلوک‌های نفتی دریای خزر معطل مانده است. این اتفاق ناخوشایند تنها یک نتیجه مهم دارد و آن یعنی سهم ایران از دریای خزر صفر است.

گفته می‌شود شرایط جغرافیایی دریای خزر، ریسک بالای حفاری، شرایط حساس سیاسی ایران، معین نشدن رژیم حقوقی این دریا و استفاده از تکنولوژی هزینه‌بر حفاری در آب‌های عمیق از موانع اصلی عدم موفقیت ایران در بهره‌برداری از نفت خزر است تا به حال ضعف مدیریت و دیپلماسی چند درصد از این ناکامی‌ها را تشکیل می‌دهد؟

بسیاری از موانع فوق نه‌تنها در مورد ایران بلکه در مورد سایر جمهوری‌های همسایه خزر هم صدق می‌کند اما چگونه است که دیگر کشورها در حال بهره‌برداری از نفت و گاز این دریا هستند و برای صادرات آن در حجم بالا یکی از طولانی‌ترین و پرهزینه‌ترین خطوط نفتی جهان را (باکو ـ تفلیس ـ جیهان) راه‌اندازی می‌کنند اما سهم ما همچنان از این حوزه حیاتی صفر می‌ماند؟!

خبر عدم تحویل سکوی البرز در حالی مخابره می‌شود که پیش از این و در پنجم مهرماه سال گذشته معاون وزیر نفت در امور نفت و گاز خزر زمان بهره‌برداری نهایی از سکوی البرز را ۱۲ بهمن سال ۱۳۸۴ اعلام کرد. صالحی فروز در آن مصاحبه امیدوارکننده مدعی پیشرفت ۹۵ درصدی فیزیکی سکوی البرز شد و راه‌اندازی این سکو را منوط به کابل‌کشی ساختمان آن دانست. مدیر اکتشاف شرکت نفت و گاز نیز در آن روزها عنقریب از آغاز اکتشاف و بهره‌برداری از نفت دریای خزر خبر داد.

اما نه تنها نفت و گازی در تاریخ‌های وعده داده شده از خزر استخراج نشد بلکه مسئولان نفتی کشورمان به دنبال شکست پروژه بهره‌برداری از مخازن هیدروکربوری این پهنه آبی وعده دیگری را دادند. این بار مدیرعامل شرکت نفت خزر مدعی شد حفاری آزمایشی تا پایان نیمه اول سال جاری انجام خواهد شد و این مهم به هزینه‌ای بالای ۳۵۰ میلیون دلار نیاز دارد ولی بودجه اختصاص داده شده به این پروژه حیاتی را اندکی کم دانست. مجموع تحولات فوق در حالی در حوزه دریای خزر رخ می‌دهد که یک خبرگزاری داخلی از آتش گرفتن کشتی پژواک در اواخر سال گذشته آن هم به دلایل نامعلوم خبر داد. این کشتی ایرانی که برای انجام عملیات لرزه‌نگاری و شناسایی منابع نفتی و گازی با مشقت فراوان از خلیج فارس به دریای خزر منتقل شده بود قیمتی بالغ بر ۲/۵ میلیون دلار دارد و تنها کشتی ایرانی در دریای خزر بود که کار پژوهش در این دریا را انجام می‌داد. عجیب اینکه مسئولان ذیربط کشورمان همچنان درباره آتش‌سوزی و انهدام این کشتی سیاست سکوت را پیش گرفته‌اند! طنز تلخ ماجرا اینجا است که مدیران نفتی ایران همچنان از استخراج و بهره‌برداری نفت و گاز دریای خزر در نیمه اول سال جاری خبر می‌دهند.

خبرها

تاکتیک هوشمندانه سازمان همکاری شانگهای

گروه سیاسی، آزاده افتخاری: سازمان همکاری شانگهای SCO که پیش از این طرحی برای پذیرش اعضای جدید نداشت، اکنون برای پذیرش عضویت کشورهای ایران، هند و پاکستان که از اعضای ناظر SCO به شمار می‌رفتند، آماده می‌شود. این در حالی است که به عقیده بسیاری از کارشناسان تصمیم SCO برای عضویت ثابت ایران تا حدودی از انگیزه‌های سیاسی ناشی می‌شود و احتمالاً سازمان همکاری شانگهای در نشست ۱۵ ژوئن خود موضع مشترکی در قبال موضوع هسته‌ای ایران اتخاذ می‌کند. ژانگ دگوانگ رئیس سازمان همکاری شانگهای چندی پیش در پکن اعلام کرد، جذب عضو جدید به مبنای قانونی نیاز دارد و هنوز چنین قوانینی در ارتباط با موضوع تدوین نشده است. بنابراین حتی در صورتی که هند یا ایران به اعضای جدید تبدیل شوند، نگرانی برخی کشورهای غربی بی‌مورد است. «سازمان همکاری شانگهای در ۱۵ ژوئن ۲۰۰۱ توسط کشورهای چین، روسیه، قزاقستان، قرقیزستان، تاجیکستان و ازبکستان بنیانگذاری شد و به نظر می‌رسد که موضوع فعالیت‌های هسته‌ای ایران و دیگر موضوعات منطقه‌ای با ایالات متحده در تغییر رویه SCO موثر بوده است.» منوچهر محمدی معاون وزیر امور خارجه ایران در گفت‌وگو با خبرگزاری ایتارتاس در مسکو این نکته را خاطرنشان ساخت که گسترش دامنه عضویت شرایط عادلانه‌تری در جهان پدید می‌آورد. محمدی با اشاره به اهداف هسته‌ای ایران گفت: تهران در ارتباط با این موضوع از سازمان همکاری شانگهای توقع همکاری دارد. تحلیلگران می‌گویند: زمان تصمیم‌گیری SCO برای عضوگیری جدید بسیار هوشمندانه انتخاب شده زیرا تا پایان ماه آوریل فرجه ۳۰ روزه شورای امنیت برای ایران به منظور توقف فعالیت‌های غنی‌سازی هسته‌ای به پایان می‌رسد. این در حالی است که عضویت در SCO به لحاظ اقتصادی و سیاسی برای ایرانیان اهمیت زیادی دارد. هر چند سازمان همکاری شانگهای یک بلوک نظامی به شمار نمی‌آید، اما سازمانی امنیتی با هدف مقابله با تروریسم، تندروی‌ها و جدایی‌طلبی است و عضویت در SCO ادعای آمریکا در خصوص عضویت ایران در لیست محور شرارت را تحت‌تاثیر قرار می‌دهد. از سوی دیگر اظهارات اخیر مقامات SCO برای توسعه سازمان با خط مشی دولت بوش، با هدف اعمال تحریم علیه ایران در تضاد است. این در حالی است که چین و روسیه دو عضو دائم شورای امنیت ضمن مخالفت با اعمال تحریم علیه ایران در جهت برقراری روابط نزدیک با ایران حرکت می‌کنند. کارشناسان می‌گویند ایران از طریق عضویت در سازمان همکاری شانگهای در پروژه‌های متعدد SCO مشارکت می‌کند و از این طریق ضمن دسترسی به تکنولوژی روز دنیا سطح سرمایه‌گذاری و تجارت خود را ارتقا می‌دهد و به توسعه بخش‌های زیرساختی مانند شبکه بانکی و ارتباطات کمک می‌کند و این در حالی است که کاخ سفید می‌کوشد تا از طریق اعمال تحریم‌ها از پیشرفت ایران جلوگیری کند. بحث عضویت ایران در سازمان همکاری شانگهای در حالی مطرح می‌شود که درخواست عضویت ناظر آمریکا در این سازمان که ژوئن گذشته مطرح شد با توجه به تلاش SCO برای مقابله با حضور نظامی ایالات متحده در آسیای مرکزی با مخالفت مواجه شد.

منبع: **Asia times**

آصفی: مذاکره با آمریکا تصمیم نظام بود

ایسنا: سخنگوی وزارت امور خارجه ایران درخصوص تغییر سفرای ایران در کشورهای دیگر گفت: این بحث بد منتقل شد. این جابه‌جایی‌ها از اول بوده، ما حدود ۱۲۰ سفیر در دیگر کشورها داریم و هر سال معمولاً حدود ۳۰ سفیر عوض می‌شود که طبیعی است برای هر سال حدود ۴۰ نفر باید جابه‌جا شوند. تابستان گذشته تغییراتی انجام شده و در خصوص تابستان امسال هم رقم ۶۰ تا ۷۰ نفر مطرح می‌شود. حمیدرضا آصفی در خصوص تاخیر در معرفی سفرا گفت: اسم این کار تاخیر نیست، این کار روندی دارد که زمان‌بر است. آصفی در پاسخ به این که آیا تاکنون در خصوص سفیری که به کشور دیگری اعزام شده جواب رد گرفته‌اید؟ خاطرنشان کرد: جواب رد نگرفته‌ایم، ولی کسانی بوده‌اند که هنوز در مورد آنها جوابی به ما نداده‌اند. سخنگوی وزارت خارجه در خصوص بحث مذاکره با آمریکا و اظهارنظر برخی نمایندگان و صاحب‌نظران در خصوص این که این مذاکره محدود به عراق نیست، گفت: اول باید دید مذاکره چه زمانی انجام می‌شود بعد گمانه‌زنی کرد. مذاکره با آمریکا صرفاً در چارچوب استقرار امنیت در عراق و خروج نیروهای اشغالگر از عراق است و هیچ چیز آن هم تاکنون تایید نشده است، نه اعضای مذاکره‌کننده، نه زمان و نه هیچ چیز دیگر. سخنگوی وزارت خارجه ایران در پاسخ به این که پس از بحث‌های اخیر آیا حاضرید با آمریکا مذاکره کنید؟ گفت: بحث مذاکره با آمریکا به درخواست دولتمردان عراقی بوده و به خاطر امنیت در عراق انجام می‌گیرد، و دامنه مذاکرات بسیار محدود خواهد بود. خیلی هم نباید مذاکرات را بیشتر از آن چیزی که هست جلوه دهیم. وی افزود: یک مذاکره محدود است که باید با برنامه‌ریزی مقدماتش انجام شود که هنوز انجام نشده، و لذا الان هنوز در حد حدس و گمانه‌زنی است. به گزارش ایسنا، آصفی در پاسخ به اینکه احتمال منتفی شدن مذاکره با آمریکا وجود دارد؟ گفت: هنوز هیچ چیز تایید نشده است. وی در خصوص موافقت وزارت خارجه با مذاکره خاطرنشان کرد: با همه بدگمانی‌ها و با همه بدبینی‌ها، این تصمیم نظام بوده و وزارت خارجه هم با آن موافق است.

واتیکان با حمله آمریکا به تاسیسات هسته‌ای ایران مخالفت کرد

ایرنا: روزنامه ایتالیایی «لارپوبلیکا» در شماره روز سه‌شنبه خود با عنوان «زنگ خطر واتیکان، مخالفت با حملات اتمی» نوشت: واتیکان از بازی‌های جنگی که از سوی واشینگتن علیه ایران مطرح می‌شود، نگران است. مسئولان واتیکان عقیده دارند: این طرح را نه‌تنها نباید در نظر گرفت بلکه نباید حتی آن را عنوان کرد زیرا خالی از هرگونه توجیه است و خطر یک حمله قریب‌الوقوع نیز وجود ندارد. واتیکان می‌خواهد تا این بحران به‌طور صلح‌آمیز و از طریق راه‌های دیپلماتیک حل و فصل شود.

خبرها

واکنش کاخ سفید به سانتریفوژهای پی-۲ ایران

ایسنا: کاخ سفید از آنچه اخبار مربوط به انجام تحقیقات بر روی سانتریفوژهای پی-۲ در ایران خواند، ابراز نگرانی کرد. به گزارش خبرگزاری رویترز، اسکات مک کللان سخنگوی کاخ سفید با اشاره به اظهارات اخیر محمود احمدی‌نژاد رئیس‌جمهور ایران مبنی بر انجام تحقیقات بر روی سانتریفوژهای پی-۲ ادعا کرد: اگر ثابت شود این اظهارات صحت دارد، باعث نگرانی بسیار جدی خواهد بود. سخنگوی کاخ سفید همچنین مدعی شد: فعالیت اعلام نشده بر روی سانتریفوژهای پی-۲ یک نقض دیگر الزامات پادمانی از جانب ایران علاوه بر نقض‌هایی است که آژانس بین‌المللی انرژی اتمی تاکنون تشخیص داده است. مک کللان گفته است: چنین نقض‌ها و قصورهایی از جانب ایران در خصوص پایبندی به الزامات بین‌المللی‌اش برخلاف ادعاهایش مبنی بر صرفاً صلح‌آمیز بودن برنامه هسته‌ای این کشور است. وی گفت: اگر ایران به مطالبات آژانس بین‌المللی انرژی اتمی پاسخ بدهد، زمان اقدام بیشتر شورای امنیت فرا می‌رسد.

کارشکنی‌های وکیل صدام

ایسنا: وکیل صدام تائید کارشناسان مبنی بر قرار داشتن امضای صدام بر سند دستور قتل‌عام روستاییان شیعه در الدجیل در سال ۱۹۸۲ را به چالش کشید و بررسی مجدد صحت این مسئله به وسیله متخصصین بین‌المللی به استثنای متخصصان ایرانی را خواستار شد. به گزارش آسوشیتدپرس، کارشناسان اعلام کردند امضایی که بر روی سند تعیین پاداش برای عوامل جاسوسی شرکت‌کننده در سرکوبی‌های دهه ۸۰ قرار دارد، امضای صدام دیکتاتور سابق عراق است. خمیس العبیدی وکیل مدافع صدام، این یافته کارشناسان را به چالش کشید و اصرار کرد که این اسناد باید به وسیله کارشناسان بین‌المللی به استثنای کارشناسان ایران مورد بررسی قرار گیرد و در توضیح این مسئله مدعی شد: ایران با اعراب و اسلام خصومتی آشکار دارد. این گزارش حاکی است: صدام در پی سخنان موکلش که ایران را از کارشناسان بین‌المللی مستثنی کرد، خطاب به وی فریاد زد: و اسرائیل، زیرا ما آن را یک کشور در نظر نمی‌گیریم. به این مسئله اشاره نکردید، اما جامعه بین‌المللی اسرائیل را یک کشور در نظر می‌گیرد. باید به اسرائیل هم اشاره می‌کردید.

عنان: تلاش‌های دیپلماتیک را تشدید کنیم

ایسنا: دبیرکل سازمان ملل بر حل دیپلماتیک برنامه هسته‌ای ایران تاکید کرد. به گزارش خبرگزاری آسوشیتدپرس، کوفی عنان دبیرکل سازمان ملل با اظهار اینکه باید شاهد راه‌حلی از طریق مذاکره برای برنامه هسته‌ای ایران باشیم تاکید کرد: لازم است تلاش‌های دیپلماتیک را برای یافتن چنین راه‌حلی تشدید کنیم. دبیرکل سازمان ملل افزود: همچنین معتقدم ایرانی‌ها که بارها گفته‌اند نیتشان صلح‌آمیز است باید برای اطمینان دادن به جامعه بین‌المللی درخصوص صلح‌آمیز بودن نیاتشان راهی را پیدا کنند تا همه به میز مذاکرات بازگردند. عنان تعلیق موقت فعالیت‌های تحقیقاتی ایران را خواستار شد و اظهار کرد: فکر می‌کنم خوب است اگر آنها تحقیق غنی‌سازی اورانیوم را برای دوره‌ای تعلیق کنند و نسبت به مذاکره با باقی کشورهای جامعه بین‌المللی جدیت نشان دهند.

بازرسان عالی‌رتبه آژانس جمعه در تهران

ایسنا: خبرگزاری رویترز به نقل از فردی که او را یک مقام عالی‌رتبه ایرانی معرفی کرد گزارش داد: بازرسان عالی‌رتبه آژانس بین‌المللی انرژی اتمی روز جمعه این هفته برای بازدید از سایت‌های هسته‌ای ایران از جمله تاسیسات غنی‌سازی اورانیوم نطنز به تهران سفر می‌کنند. این خبرگزاری انگلیسی ادامه داد: سفر بازرسان آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به ایران در پی اعلام این مطلب از سوی تهران که برای اولین بار غنی‌سازی اورانیوم را به شکلی موفقیت‌آمیز انجام داده است، صورت می‌گیرد. این گزارش به نقل از مقام ایرانی یادشده که خواست نامش فاش نشود، افزود: ما درباره غنی‌سازی اورانیوم ۳/۵ درصدی ایران مذاکره خواهیم کرد. رویترز ادامه داد: محمد البرادعی مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی که در روزهای اخیر به ایران سفر کرده بود، گفت که بازرسان آژانس در این زمینه نمونه‌گیری‌هایی انجام داده‌اند و درباره آنکه ایران به غنی‌سازی ۳/۵ درصدی دست یافته است یا خیر به شورای حکام گزارش خواهند داد. این گزارش به نقل از مقام ایرانی یادشده سفر بازرسان آژانس به ایران را بخشی از تعهدات ایران در قبال معاهدات بین‌المللی خواند و افزود: اولی هاینونن معاون مدیرکل آژانس بین‌المللی انرژی اتمی و بازرسان با ایران در خصوص مسائل باقی‌مانده مذاکره خواهند کرد.

اعتراض ایران به جنایات رژیم اسرائیل

ایسنا: سفیر دائم ایران نزد سازمان ملل، جنایات همه روزه رژیم صهیونیستی در اراضی اشغالی را خاطرنشان و از جنگ‌افروزی‌های این رژیم انتقاد کرد. خبرگزاری رویترز گزارش داد، جواد ظریف سفیر ایران در سازمان ملل پس از آنکه دان گیلرمان نماینده رژیم صهیونیستی در سازمان ملل موضع‌گیری‌های رهبران ایران، سوریه و فلسطین را اعلان جنگ خواند، به شورای امنیت گفت که این صهیونیست ادعاهای غیرمسئولانه‌ای داشته است. ظریف افزود: تهدید هر روزه اسرائیل نیاز به توجه جدی و فوری شورای امنیت دارد و دست‌کم باید از آن بخواهد که از توسل به زور دست بردارد. بر اساس گزارش خبرگزاری رویترز، گیلرمان ادعا کرده است: در نتیجه اظهارات و اقدامات رهبران ایران، سوریه و دولت جدید منصوب شده در حکومت خودگردان فلسطین ابری تیره در حال ظاهر شدن بر فراز منطقه است.